

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۱۹ اکتوبر ۲۰۰۹

شکوه ، ه

(۹) در جرمنی :

{ ب }

شش نفرش لیست نوشته ، ضرور
کرده سر سه نفر ، آنرا به زور
پول اضافه اش ، به جیبش نهاد
گر کسی حق خواست جوابش بداد
وای و جب ، ماهر افغان نگر
کارگران ، جمله گریزان نگر
پودر و تمپو و کریم زنان
مردم بیچاره کنند امتحان
شامپو و سابون به خرد و کلان
فابریکه ها کرده به مردم روان
وای و جب ، توزیع اعلان نگر
جمله موادش ، بفروشان نگر
نصف اگر توزیع به مردم شده
نصف دگر ، نیمه ره گم شده
یک کمی هم هدیه به این و به آن

مابقی بفروخته و خارج روان
وای و جب ، توزیع اعلان نگر
یک کمی در منزل خویشان نگر
شاید ازان پول ، روان سوی حج
تا که ببندد به همه بار کج
پخته کند پیش همه اعتبار
در همه مجلس ، بُودش اختیار
وای و جب ، حاجی افغان نگر
پرده بدر ، طینت شیطان نگر
یک شبی کنسرت جوانان ما
(صید و جب) و (کامله) مهمان ما
خواندن و نوشیدن و هم رقص و ساز
مرد و زن آماده به راز و نیاز
وای و جب ، رقصی ز افغان نگر
پیر و جوان نشئه به میدان نگر
گفت و جب ، بر زنش ، ای نازنین
گوش نما حرف مرا ، اینچنین
ترک همه کار و همه بار خود
فکری جدیدی بکنم ، یار خود
وای و جب ، محفل افغان نگر
تازه پلانی ز دل و جان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXX

شکوه ۵۱

(۹) در جرمنی :

{ ج }

هفته نو ، بهر پلانش دوید
سالون چند قسمتی را خرید
قسمتی بر عقد و عروسی ، جدا
قسمتی بر فاتحه خوانی جدا
وای و جب ، سالون افغان نگر
هرطرفش ، روشن و تابان نگر
بقیه دارد